

A Critical Approach to the Portrayal of Hazrat Zahra (PBUH) in Three Editions of the Encyclopedia of Islam, Leiden

Fatemeh Janahmadi 

Professor of History, Department of History, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. f.janahmadi@modares.ac.ir

Received: 2023/12/14	Received in Revised Format: 2024/01/13	Accepted: 2024/01/30	Published: 2024/03/20
----------------------	--	----------------------	-----------------------

Abstract

The history of Islam has a long-standing connection with the culture of Orientalism. Since ancient times, understanding Islam has been the foundation of the Islamic East, and the main pillar of familiarity in the field of Islamic history goes back to understanding the life, tradition, and times of the Messenger of God (PBUH), his family, and his companions. This connection has led many Orientalists to seek to understand Islam and explain its foundations, as well as to analyze aspects of the life of the Messenger of God (PBUH) and his family, especially the daughter of the Messenger of God (PBUH), Fatima Zahra (PBUH), as a model of behavior for Muslim women. This is, for various reasons, including her relative relationship with the Messenger of God (PBUH), as well as her wife of his successor, Ali ibn Abi Talib (PBUH), and the mother of Hassan and Hussein (PBUH), and also influenced by her unique personality in the history of Islam, understanding Hazrat Zahra (PBUH) has been essential and mandatory for Orientalists because she was a political and religious activist, especially in important historical events after the death of the Messenger of God (PBUH). One of the most important historical studies that can provide a scientific picture of Hazrat Zahra (PBUH) are encyclopedias, which, in addition to their broad general audience, also include mid-level specialists. This article aims to answer the question of who the authors of the Fatima Zahra (PBUH) entry are and what approach and method they used in explaining and compiling the entry in question. What image did they present of Fatima Zahra? What are the characteristics and components of the entries in question? Has the fear of Islam and the ignorance of its principles and branches not caused orientalists to misunderstand the history of Islam? Were the authors of the second edition influenced by the discourse of Islamophobia? What are the characteristics and components of the entries in question? Due to the historical nature and critical approach, the study method in this article will be historical criticism, relying on description and analysis of data beyond dogmatic interpretations and narratives.

Cite as: A Critical Approach to the Portrayal of Hazrat Zahra (PBUH) in Three Editions of the Encyclopedia of Islam, Leiden. Iranian History of Culture. 2024; 1(1): 144-170.

Owner and Publisher:
University of Tabriz **Journal**
ISSN (online): 3060-8066
Access Type: Open Access
DOI: 10.22034/IHC.2024.19228

رہیافت انتقادی به تصویر سازی حضرت زهرا(س) در سه ویراست دائرهالمعارف اسلام چاپ لیدن

فاطمه جان احمدی

استاد تاریخ گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس f.janahmadi@modares.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده

روابط تاریخ اسلام با فرهنگ شرق شناسی پیوندی دیرینه دارد. از دیرباز شناخت اسلام پایه و اساس شرق شناسی بوده است و رکن اصلی معرفت یابی در حوزه تاریخ اسلام به شناخت سیره، سنت و زمانه رسول خدا(ص) و اهل بیت ایشان و صحابه به معنای وسیع آن باز می گردد. همین پیوستاری معنایی موجب شده است تا خاورشناسان متعددی بدنبال شناخت اسلام و تشریح مبانی آن و نیز واکاوی زوایای حیات رسول خدا(ص) و اهل بیت علیهم السلام بویژه دختر رسول خدا(ص) فاطمه زهرا(س) به مثابه اسوه رفتاری جامعه زنان مسلمان بپردازند. این درحالی است که به دلایل مختلف از جمله ارتباط نسبی با رسول خدا(ص) و همسری وصی او علی بن ابی طالب (ع) و مادری حسنین (علیهما السلام) و نیز متأثر از شخصیت بی بدیل او در تاریخ اسلام به مثابه کنش گری سیاسی و مذهبی بویژه در بزنگاه تاریخی پس از رحلت رسول خدا(ص) شناخت حضرت زهرا را برای مستشرقین ضروری نموده است. یکی از مهمترین تحقیقات آکادمیک و شاید سهل الوصول ترین مطالعات تاریخی که می تواند تصویری علمی از حضرت زهرا(ص) ارائه دهد، دائره المعارف ها هستند که ضمن وسعت مخاطبان عام، متخصصان سطوح میانی را نیز شامل می شوند. این مقاله قصد دارد تا ضمن بررسی مدخل های فاطمه زهرا(س) در دائره المعارف های اسلام چاپ قدیم و جدید و بریتانیکا، ایرانیکا، دائره المعارف دین، قرآن و دائره المعارف اسلام و مسلمانان، به این سوالات پاسخ دهد که نویسندگان مدخل فاطمه زهرا(س) چه کسانی هستند؟ آنان چه رویکرد و روشی در تشریح و تدوین مدخل مورد نظر داشته اند؟ و چه تصویری از فاطمه زهرا(س) ارائه داده اند؟ شاخصه ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیستند؟ آیا ترس از اسلام و ناشناختگی از اصول و فروع آن موجبات بدفهمی مستشرقان از تاریخ اسلام را بوجود آورده است؟ آیا نویسندگان ویراست دوم تحت تاثیر گفتمان اسلام فوبیا و یا نویسندگان ویراست نخست بوده اند؟ شاخصه ها و مولفه های مدخل های مورد نظر چیست؟ به دلیل ماهیت تاریخی و رویکرد انتقادی روش مطالعه در این مقاله روش تاریخی Historical criticism متکی بر توصیف و تحلیل داده است و این روش فراتر از تفسیرها و روایت های جزمی خواهد بود.

کلیدواژه ها: فاطمه زهرا (س) - خاورشناسان - دائره المعارف اسلام - مطالعه انتقادی - هنری لامنس، لائورا

وچا والی پری - ورناکلم

نحوه ارجاع: "رہیافت انتقادی به تصویر سازی حضرت زهرا(س) در سه ویراست دائرهالمعارف اسلام چاپ لیدن". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۳:

(۱) ۱۷۰-۱۴۴.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2024.19228

خاورشناسی یکی از منظومه‌های مطالعات وسیع شرق است که به دلیل دامنه دار بودن موضوعات متنوع آن نمی‌توان بطور دقیق تاریخی را برای خاستگاه آن بر شمرده؛ هرچند به دلیل رویکردهای نو و مفاهیم جدید آن می‌توان حیطه‌ی آن را به لحاظ روشی به دوران جدید منتسب کرد. لیکن متأثر از اهداف شرق‌شناسی که بخش مهمی از آن " هویت‌سازی" برای غرب و اروپای مسیحی در برابر «دیگری» یعنی جوامع مسلمان در شرق بوده است ریشه‌ای بس کهن دارد و می‌توان رگه‌های تلاش برای سامان‌دهی نظام معرفتی غرب مسیحی و یهودی در برابر شرق مسلمان را در مطالعات عقیدتی، فرهنگی و شناخت موضوعات مرتبط با آن بویژه در منازعات صلیبیان و یا جنبش بازپس‌گیران اندلس و مسیحیان غربی یا همان رِکونکیستا (Reconquista) جستجو کرد. بدین ترتیب، رفته رفته گفتمانی غربی پیرامون شرق در منظومه‌های علمی شکل گرفت که به خاورشناسی شهره است. هرچند شاید نخستین رویکردهای انتقادی به آثار "ادوارد سعید" برجسته‌ترین منتقد شرق‌شناسی بازگردد اما آرام آرام مطالعاتی قوی‌تر در آکادمی‌های غربی شکل گرفت که پا را از شرق‌شناسی صرف که با مردم‌شناسی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی عجین بود فراتر نهاد و مفهومی دقیق‌تر از شرق‌شناسی در متون قرون جدید خلق شد که با مفهومی عالمانه و پژوهش‌گراانه در نهادهای پژوهشی و دانشگاهی متداول جهان، همسو و هم‌معنا بود. این ترادف معنایی موجب شد هر آن کس که درباره‌ی مشرق‌زمین تدریس یا تحقیق می‌کند یا چیزی می‌نویسد را شرق‌شناس بنامند. این مفهوم در ادوار تاریخی معاصر، به گفتمانی قابل قبول با روش اندیشیدن و سبک تفکر درباره شرق تואمان شده است و نظام معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی ویژه خود را باز یافته است. این بازتولید اندیشه‌گی درباره نظام معنوی شرق با اسلام پژوهشی در غرب گره خورده است. از این رو شرق‌شناسی و اسلام پژوهشی رشته‌ای منسجم و علمی شد تا فرهنگ اروپایی در خلال دوران پس از عصر روشنگری بتواند به‌وسیله‌ی آن شرق اسلامی را از حیث ایدئولوژیکی، سیاسی، جامعه‌شناسی، علمی و تخیلی بشناسد و از طریق این شناخت برآن سلطه یابد و آن را اداره کند. وجود پرسش‌های بسیار در باره اسلام و مسلمانان در غرب از یکسو، آوازه ظرفیت‌های دین اسلام و منش و فرهنگ مسلمانان از سوی دیگر که به شتاب اسلام‌گرایی دامن می‌زد، ولع واکاوی زوایای ناگفته درباره اسلام و مسلمین را فزونی می‌بخشید. لذا به موازت شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی نیز رشد کرد و همه جا دامن گسترد.

در میان ابزارهای معرفتی برای شناختن و شناساندن دین اسلام و یا آداب مسلمانی و آیین‌های آن دایره‌المعارف‌ها نقش مهم و بسزایی داشته و دارند. این مجموعه‌های علمی به مثابه گونه‌ای از کتاب‌های مرجع حاوی اطلاعاتی کلی در قالب مقالات و مدخل‌های مستند و منظم، قابل فهمی از دانش‌ها یا طیف معینی از علوم یا دانشی خاص هستند که با هدف آگاهی‌رسانی عمومی نگارش یافته و در عصر حاضر در قالب الفبایی تدوین می‌شوند. صرف نظر از انواع دایره‌المعارف‌ها که به دایره‌المعارف‌های اختصاصی (مقالات مربوط به موضوعی خاص در آن نوشته می‌شود)، و دایره‌المعارف‌های عمومی (شامل مطالبی کلی در حوزه‌ی تمام معارف بشری است) قابل تقسیم اند؛ باید اذعان نمود که بیشترین سهم اصلی در تاثیر گذاری بر روش‌ها و اسلوب‌های دانش‌نامه‌نویسی یا دایره‌المعارف نگاری، از آن "دایره‌المعارف اسلام" چاپ لیدن (لایدن) است که بر سیر دانش‌نامه نویسی به زبان‌های اصلی جهان اسلام در دوره جدید تأثیری قاطع و درازمدت نهاد. (رودگر، ۱۳۹۳، جلد ۱۷)

آنچه مسلم است دایره‌المعارف اسلام به عنوان نخستین دایره‌المعارف جامع و نمونه‌های مشابه آن اساس کار خود را بر تبیین نظام معرفتی اسلام و رویکرد توحیدی تمدن اسلامی با همه ابعادش نهادند. علاوه براین کانون توجه این مجموعه‌ها بر تشریح موضوع رسول خدا (ص) اعم از سیره و سنت و به تبع آن حیات اهل بیت (علیهم السلام) و صحابه ایشان بود. براین اساس دایره‌المعارف اسلام (The Encyclopaedia of Islam EI1) به عنوان نخستین شکل دایره‌المعارف علمی- آکادمی با سه دوره ویرایش متفاوت مدون شد. این مجموعه به عنوان یکی از منشورات مهم دانشگاهی بریل در لیدن (لایدن) هلند، در کنار ۲۷۵ مجله و ۱۲۰۰ کتابی که این انتشارات در سال منتشر می‌کرد، توانست تأثیر بسزایی بر دایره‌المعارف نویسی و اسلام‌شناسی در جهان معاصر برجای نهد و امروزه به عنوان یکی از مراجع پژوهش‌های اسلام‌شناسی در جهان به‌شمار می‌رود. از آنجا که دال مرکزی گفتمان اسلام به مثابه یک دین، سیره و سنت حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت ایشان است، مطول ترین مقالات

هم به شخصیت حضرت محمد(ص) و اهل بیت ایشان اختصاص یافته است. این در حالی است که مدخل‌های متعددی نیز به حضرت فاطمه زهرا (س) همسران، فرزندان، خویشان نسبی و سببی، صحابه، و حتی رویدادهای متصل به او تخصیص یافته است. از آنجا که عنوان این مقاله رویکرد انتقادی به تصویر سازی از فاطمه زهرا سلام الله علیها در دائره‌المعارف‌های غربی و نزد مستشرقان دائره‌المعارف نویسنده است، در این مقاله تنها به به سه دوره دائره‌المعارف اسلام چاپ لایدن اشاره خواهد که تصویری متفاوت و گاه همسو با قرائت غربی از اسلام ارائه شده است. زیرا نویسندگان این مقاله باور دارند که اسلام هراسی و ایجاد بدفهمی از اسلام مقوله جدیدی در غرب نیست و امروزه به گفتمان مسلطی در میان جوامع غیر مسلمان مبدل شده است. مقالات متعدد در زمینه اثبات این نظر وجود دارد (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲ و رنجبران، ۱۳۹۳ و جان احمدی و بایرام، ۱۴۰۲) که پرداختن به آنها در چارچوب این مقاله نیست، لیکن این موضوع به عنوان مفروضی قابل اعتنا پذیرفته شده است تا در خلال آن به موضوع حضرت زهرا(س) به مثابه اسوه و الگوی تربیتی زنان در جامعه اسلامی عصر نبوی و پس از آن توجه شود.

طرح مساله

شناخت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان دختر رسول خدا (ص) و همسر علی بن ابی طالب علیه السلام وصی و جانشین رسول خدا(ص) و نخستین امام شیعیان، و نیز مادر حسنین سلام الله علیهما به مثابه ائمه دومین و سومین ائمه شیعه، و مادر زینب کبری به عنوان وارث رخداد کربلا و احیاگر نهضت بزرگ شیعه در میان جوامع مسلمان همواره از اهمیت و جایگاه بسیار زیادی برخوردار بوده و هست.

در میان مراجع مهم مطالعاتی که بخش قابل توجهی از مخاطبان عمومی و خاص را به خود اختصاص می دهد و می تواند به عنوان مرجع فراگیر در گردونه تولید آگاهی نقش مؤثری داشته باشند، دائره‌المعارف‌ها و دانشنامه‌ها هستند؛ که مهمترین آنها به لحاظ قدمت و اهمیت دائره‌المعارف اسلام "Encyclopaedia of Islam" چاپ لیدن (Leiden) است. امروزه سه ویرایش از این مجموعه در دست است که به لحاظ محتوا و نویسندگان تفاوت‌های اساسی بایکدیگر دارند. مدخل فاطمه الزهرا(س) که کانون اصلی بررسی مقاله حاضر است در هر سه این دائره‌المعارف‌ها با نویسندگان مختلفی وجود دارد. نویسندگان مقاله حضرت فاطمه(س) در نسخه نخست دائره‌المعارف اسلام هنری لامنس (H. Lammens) (۱۸۶۲-۱۹۳۷م) نویسنده و خاورشناس معلوم الحال بلژیکی است. همین مدخل در ویراست دوم EI2 توسط لائورا وچا والی‌یری (Laura Veccia Vaglieri) شرق‌شناس ایتالیایی و اسلام‌پژوه و تحصیل کرده دانشگاه ناپل (۱۸۹۳-۱۹۸۹م) به رشته تحریر در آمده است. نویسندگان مدخل فاطمه در سومین نسخه ویراسته دائره‌المعارف EI3 وِرنا کِلِم (Verena Klemm) متولد ۲۹ آوریل ۱۹۵۶م و استاد و رئیس موسسه مطالعات عربی در دانشگاه لایپزیگ آلمان است. او متخصص تاریخ قرون نخست اسلامی و ادبیات عربی و بویژه اسماعیلیه پژوه است. به دلیل تنوع مقالات و تفاوت نویسندگان مجموعه دائره‌المعارف اسلام هر سه ویرایش شایسته است، تحقیقی تطبیقی با رویکرد انتقادی در باره مدخل‌های پرچالش تاریخ اسلام در این مجموعه تحقق یابد. براین اساس خواست مقاله حاضر بررسی چگونگی تصویر سازی نویسندگان دائره‌المعارف نویسنده غربی از فاطمه زهرا(س) در مراجع علمی فرهنگی چون دائره‌المعارف اسلام است. و مقرر است در خلال بررسی‌های تاریخی، مدخل‌های مورد نظر، با رویکرد انتقادی بازخوانی شوند و به این سوالات پاسخ داده شود که نویسندگان مدخل فاطمه زهرا(س) به لحاظ موقعیت علمی و جایگاه اجتماعی چه کسانی هستند؟ و چه تصویری از حضرت زهرا(ص) در مجموعه سه گانه دائره‌المعارف اسلام EI1, EI2, EI3 ارائه داده‌اند؟ آیا اهداف معنا داری در نحوه نویسندگی و یا اختیار داده‌های تاریخی این مؤلفان وجود دارد؟ آیا نویسندگان ویراست دوم تحت تاثیر گفتمان اسلام فوبیا و یا نویسندگان نسخه نخست نبوده اند؟ شاخصه‌ها و مولفه‌های مدخل‌های مورد نظر چیست؟ به نظر می‌رسد گفتمان اسلام فوبیا در ویراست نخست بسیار ملموس و مشهود است و رگه‌های بدفهمی از اسلام در مقالات قابل ردیابی است، موید این ادعا همین صراحت اسلام ستیزی و قرائت غلط از رخدادهای تاریخ اسلام و یا مدخل‌های مرتبط با آنها باعث خشم محققان و مسلمانان در جهان اسلام شد.

از آنجا که ماهیت این مقاله تاریخی است. (محمد تقی ایمان، ۱۳۹۱: ۱۳۲). روش مطالعه برای یافت پاسخ مستدل سوالات مطرح روشی تاریخی و انتقادی، Historical criticism متکی بر توصیف و تحلیل داده‌ها، فراتر از تفسیرها و روایت‌های جزئی خواهد بود. به عبارتی توضیح

و تشریح این مدخل‌ها کمک می‌کند تا از خلال آن بتوان تفاوت‌ها و تمایزات سه نسخه دایره‌المعارف اسلام در موضوع حضرت فاطمه زهرا را یافت و به سوالات مطرح آن پاسخ گفت و سرانجام به چگونگی تصویری که این مراجع علمی در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهند، دست یافت.

بحث

دلایل دایره‌المعارف نویسی در غرب با رویکرد مطالعات اسلامی

دایره‌المعارف نویسی پدیده‌ای جدید در جهان اسلام نبود و بهترین نمونه آن آثار قاضی ساعد اندلسی (متوفای ۴۲۰ هجری) مانند التعریف بطبقات الامم و یا کتاب جوامع الأخبار الأمم من العرب و العجم، صوان الحكم) که توانسته به تقویت وجود ایده دایره‌المعارف نویسی نزد مسلمانان کمک نماید. اما دایره‌المعارف معنای امروزی با ساختار آکادمیک آن در جهان غرب از قرن هجدهم میلادی آغاز شد، ثمره نیاز غرب به شناخت هویت و میراث مسلمانان در شرق بود. مطابق اطلاعات موجود در انگلستان جان هریس در ۱۷۰۴ م فن‌واژگان را با ساختاری منطبق با نظام دایره‌المعارفی منتشر کرد و مطابق تعاریف موجود این مجموعه تمام خصوصیات یک دایره‌المعارف جدید را دارا بود.

اما فرایند دایره‌المعارف نویسی با رویکرد تاریخی و اسلامی در غرب روند دیگری داشت. چنانکه هرساله در غرب، ناموران شرق‌شناس که در زمینه‌ی خاورشناسی و استشرق کار می‌کردند، در کنگره‌ای عمومی گردآمده، و در امور علمی و ادبی، تاریخی شرق به گفتگو و تبادل نظر می‌پرداختند. در کنگره‌ای که در سال ۱۸۷۳ در پاریس ۱۸۹۲ م در لندن برگزار شد. (سحاب، ۱۳۱۷: ۲۴-۲۵) اندیشمندان غربی برای نخستین بار بر ضرورت تدوین مجموعه‌ای به نام دایره‌المعارف اسلام تاکید کردند. در این کنگره شخصی به نام اسمیت (Smith) پیشنهاد تدوین این دایره‌المعارف را مطرح کرد و در همان کنگره کمیته‌ای متشکل از سیزده عضو به ریاست اسمیت متصدی فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای این کار شد. پس از مدتی اسمیت درگذشت و در اجلاس کنگره بعدی، ایگناس گلدزیهر (Ignaz Isaak Yehuda Goldziher) به جای او برگزیده شد.

در کنگره‌ای که در سال ۱۸۹۷ در پاریس برگزار شد به دلایل مختلف، گلدزیهر استعفا داد و هوتسما (Martijn Theodoor Houtsma) (۱۸۵۲-۱۹۴۳ م) به جای او انتخاب شد. (نوری، ۱۳۸۴: ۹۶) وی که خاورشناسی معروف و عضو انجمن دایره‌المعارف اسلامی لیدن بود (Vol, Journal of the Royal, 1947.79, p 136) توانست در همان جلسه خاورشناسان مختلفی را با ملیت‌های متفاوت از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، روسی، مجاری، اتریشی و هلندی برای همکاری در تدوین دایره‌المعارف اسلام فراخواند. در ابتدا نظارت علمی مقالات با دوجه (M.g. De Goege) و هوتسما بود. (نوری، ۱۳۸۴: ۹۹) در سال ۱۹۰۸ میلادی امتیاز انتشار دایره‌المعارف اسلامی به انتشارات بریل در شهر لیدن هلند واگذار شد. و امور نشر و انتشار دایره‌المعارف اسلام که از سال ۱۹۱۳ م شروع شده بود و در سال ۱۹۳۸ م به اتمام رسید (Elton, L, Daniel, encyclopaedia of islam., 2013)

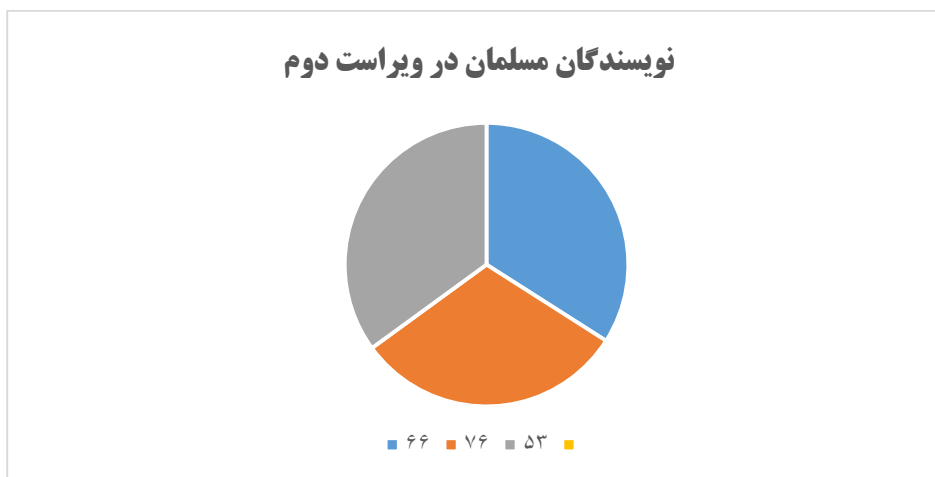
نام اولیه این کتاب مرجع که A Dictionary of the Geography Ethnography and Biography of the Mohemmedan peoples: «جغرافیا، نژاد و زندگی‌نامه مردم محمدی» (نوری، ۱۳۸۴: ۹۹) تعیین شد و بعدها به دایره‌المعارف اسلام تغییر نام یافت.

چنانکه اشاره شد محققین کشورهای غربی با ملیت‌های متفاوت اعم از اروپایی و آمریکایی در تدوین نخستین دایره‌المعارف اسلام نقش داشته‌اند. برای نمونه دانکلان بلاک مک دونالد آمریکایی در مدیریت یا مقاله نویسی دایره‌المعارف اسلام سهیم بوده است. (محمد نوری، ۱۳۷۷:

(۳۶۵) از دیگر افرادی که در تدوین مقالات دایره‌المعارف اسلام نقش داشته‌اند، می‌توان به بلاشر (Blachere)، بروکلیمان (Brokelman)، آرنولد (Arnold)، لامنس (Lammens)، لوییس (Lewis)، مینورسکی (Minorsky)، هارتمان (Harmann)، مونتگمری وات (Montgomery) (Watt)، مان (Mann) و فارمر (Farmer) اشاره کرد. هرچند اعضا هیأت علمی دائرةالمعارف اسلام بنابر دلایل متعدد بطور متناوب در حال تغییر بودند، چنانکه بعدها ونسینکی (Arent jean wensinck)، آرنولد (Arnold)، پروونسال (E. Levi - Provencal) و هفنینگ (w. Heffening) به آنها اضافه شدند. (نوری، ۱۳۸۴: ۹۷) گفتنی است هوتسما تا سال ۱۹۲۴ میلادی سرپرستی دایره‌المعارف اسلام را بر عهده داشت و پس از آن فنسک (ونسک) عهده‌دار آن شد. (محمد نوری، ۱۳۷۷: ۳۶۵)

ویرایش اول این مرجع علمی با بیش از نه هزار مقاله، با عنوانی فرعی درانتشارات بریل در لایدن و در لایپزیگ آلمان در چهار جلد اصلی در فاصله سالهای ۱۹۱۳-۱۹۳۶ / ۱۲۹۲-۱۳۱۵ش به زبان‌های آلمانی، فرانسه و انگلیسی چاپ و منتشر شد و در سال ۱۳۱۷ / ۱۹۳۸ش یک جلد تکمله به آن اضافه گردید. یکی از نکات حائز اهمیت ویراست اول این بود که همه مؤلفان آن اروپایی و غیرمسلمان بودند. هرچند متولیان امر تلاش کردند در نگارش ویرایش اول دایره‌المعارف اسلام اشخاصی به عنوان مشاور و معاون به کار گرفته شوند: از جمله آن‌ها می‌توان به گروهی از مسلمانان اشاره کرد که فان اس (J. VanESS) مسئولیت معرفی آنها را بر عهده داشت. از جمله افراد مسلمان که به عنوان مشاور از آن‌ها استفاده شد می‌توان به ابراهیم مدکور، محمد شفیع، بزمی انصاری، مصطفی شهابی، سیدحسین نصر و محمدالطالبی اشاره کرد. (نوری ۱۳۸۴ ص ۹۷) ویرایش اول کتاب دایره‌المعارف اسلام در سه نسخه به طور هم‌زمان ارائه شد که این نسخه‌ها دارای تفاوت‌هایی نیز بودند و این طور نبود که عیناً شبیه هم باشند. افزون براین خلاصه‌ای از ویرایش اول نیز در سال ۱۹۵۳ / ۱۳۳۲ش با مقالاتی که بیشتر درون مایه فقهی و تاریخی داشتند، با عنوان "خلاصه دایره‌المعارف اسلام" به زبان انگلیسی منتشر شد و در ۱۹۷۴ و ۱۳۵۳ / ۱۹۹۱ و ۱۳۷۰ش تجدید هم چاپ شد. علی رغم حجم‌های مختلف به مواضع علمی این مجموعه از جانب مسلمانان، انتشارات بریل بی توجه به این اعتراضات، مجدداً آن را در نه مجلد در ۱۹۸۷ / ۱۳۶۶ش تجدید چاپ کرد. دلایل این اعتراضات اشتباهات فاحش در پردازش موضوعات، تاختن‌های بی محابا بر میراث اسلامی، نادیده گرفتن وعدم بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی و در پاره‌ای مقالات نادیده گرفتن منابع شیعه و نیز سوگیری‌های تعمدانه نسبت به مفاخر جهان اسلام و مواضع تند و متعصبانه و گاه ایدئولوژیک نویسندگان مسیحی و یهودی مقالات که عمدتاً شرق‌شناسان نام آشنا و متعصب و بعضاً از چهره‌های معاند شهیری چون گلدزیهر و لامنس بودند، بویژه خطاهای نابخشودنی از تصویرسازی شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام، که به خیزش و دامنه‌دار بودن امواج اعتراضات تنفرآلود در میان مسلمانان دامن می‌زد و همین دلیل قابل قبولی بود تا متولیان دائرةالمعارف مبادرت به تدوین ویراست دو (The Encyclopaedi of Islam New / Second Edition/EI2) با رویکردی متعادل‌تر متأثر از فرهنگ نوشتاری غرب و گفتمان آکادمیک نمایند. براین اساس تلاش شد تا با انتخاب نویسندگانی از همه ملیت‌های شرقی بویژه، ایرانی، عرب و ترک تبار و مسلمان و غیرمسلمان و البته هم جهت با اهداف کلان دائرةالمعارف اسلام در تصحیح ویراسته اول برآیند. مؤید این مدعا تعداد تنوع بخشی به نویسندگان و استفاده بیشتر از محققان مسلمان است. چنانکه در جلد اول ۶۶ نفر از ۳۴۳ مؤلف، در جلد سوم ۷۶ نفر از ۳۱۲ مؤلف و در جلد پنجم ۵۳ نفر از ۳۵۳ مؤلف مسلمان اند یا ملیت عربی-اسلامی دارند.

نویسندگان مسلمان در ویراست دوم



سر ویراستاری ویرایش دوم دائرةالمعارف اسلام EI2 بر عهده محققان سرشناسی چون همیلتون الکساندر روسکین گیپ بود. وی که پیشتر ریاست مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد را بر عهده داشت توانست مراحل نخست تدوین ویرایش دوم را بنیان نهد. در کنار او کسانی چون لوی-پروونس (Évariste Lévi-Provençal) خاورشناس فرانسوی، جی اچ کرمرز (J. H. Kramers (d. 1951) و جوزف شاخت (J. Schacht) و برنارد لوئیس (B. Lewis) و پلات (Ch. Pellat) و وی ال میناگ (V.L. Ménage) و فون دانتزل، گ. آر هاوتینگ (G. R. Hawting) و سی ئی بُسُورث (C.E. Bosworth) و پی جی بیرمن (P.J. Bearman) نیز حضور داشتند.

به نظر می‌رسد ویرایش دوم EI2 هم چندان دور از تعصب و جانبداری نبود. تحولات علمی و توسعه مطالعات اسلامی در پی تغییرات اجتماعی، رشد تعدد دائرةالمعارف نویسی در غرب (اسعدی، ۱۳۸۱: ۱۷۱) شکل گیری رسانه‌های فراگیر، تغییر در نگره محققان مسلمان با رویکردهای انتقادی بسیار موجب شد تا ایده ویرایش سوم دائرةالمعارف اسلام EI3 شکل بگیرد. لذا ویرایش سوم دائرةالمعارف اسلام: The Encyclopaedia of Islam Three Edition از ۲۰۰۷ آغاز شد و مقرر گردید طی پانزده سال متوالی این مجموعه به پایان برسد. به انضمام این قرار که هر ساله چهار جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای با تمرکز بر مطالعات اسلامی در قرن بیستم، به ویژه در حوزه و مناطق کمتر شناخته شده هم‌چون آسیای جنوب شرقی و صحرای آفریقا و با تمرکز بر مسائل مربوط به حقوق اقلیت‌های مسلمان در همه کشورها و سرزمین‌های غیر مسلمان منتشر شود. ویرایش سوم تحت نظارت چهار سر ویراستار به نام‌های: گودرون کرمر (Gudrun Krämer)، اِورتِ راوسن (Everett Rowson) جان ناواس (John Nawas) و دنیس ماترینگ (Denis Matringe) است؛ (EI3, introduction, vi. p: v)

گرچه از انگیزه‌های نگارش این مجموعه سه دوره‌ای (EI1, EI2, EI3) به دلیل فقدان مقدمه‌ای درخور که بتواند به این سوال ما پاسخ دهد، اطلاعات دقیقی در دست نیست اما بطور کلی رشد آگاهی، اسلام‌گرایی، سوالات پرشمار درباره اسلام و آیین آن در غرب و از همه مهم‌تر لزوم اطلاع یافتن و یا اطلاع دادن جهت دار در غرب به توسعه کتابهای دائرةالمعارفی افزود. این درحالی است که در چاپ دوم ویراست نخست (EI1) در پیشگفتار ناشر (EI1, Publishers' preface. 1987) همین دلایل پیش گفته را مطرح و دلیل اصلی را افزایش علاقه به دانستن در باب اسلام و فرهنگ اسلامی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌داند.

به هر تقدیر هر سه ویراست دائرةالمعارف اسلام (EI1, EI2, EI3) را می‌توان خوش‌بینانه ثمرهٔ اسلام‌شناسی غربی، یا به معنای

دقیق تر، میوه و ثمره شرق‌شناسی در غرب معاصر دانست. هرچند این ولع به دانستن در باره اسلام را باید به همان سده‌های نخست صدر اسلام بازگرداند. خیزش اسلام و فتوح اسلامی در شرق و غرب و از همه مهمتر فتح اندلس در عین ناباوری فرنگیان و گسترش اسلام بدون لشکرکشی در اروپا، موجبات کنکاش و لزوم معرفت در باره اسلام را فزونی بخشید و حاصل این تلاش در قرنهای هجدهم و نوزدهم به دایره‌المعارف نگاری برای آشنایی عموم و آگاهی گسترتری عامدانه و جهت‌گیرانه منجر شد. (دایره‌المعارف الاسلامیه، بی تا، مقدمه، ۴؛ دانشنامه ایران و اسلام، مقدمه، ۱/۱۰) این در حالی است که بدانیم همزمان با انتشار نسخه‌های ترجمه شده آن هم در اختیار عموم قرار گرفت.

ویژگی‌های دایره‌المعارف اسلام

دایره‌المعارف اسلام با توجه به این که اولین کوششی است که از سوی خاورشناسان غربی برای گردآوری اطلاعات علمی مربوط به اسلام و جهان اسلام در قالب دایره‌المعارف انجام شده است دارای ویژگی‌هایی است که ما در این جا به طور مختصر به بعضی از آن ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

یکی از ویژگی‌های انحصاری این دایره‌المعارف در مقابل دایره‌المعارف‌های دیگری که در مورد اسلام به رشته تحریر کشیده شده است توجه به اعتقادات اختصاصی شیعه و زندگی تحلیلی امامان این مکتب است که اگرچه در بسیاری از موارد قابل نقد و بررسی است اما در هر حال آیین تمام نمای نحوه نگرش و تفکر اسلام‌شناسان غربی در مورد مکتب مقدس تشیع است که می‌تواند مبنای بسیار محکمی برای برنامه‌ریزی علمای شیعه نسبت به معرفی صحیح و مستند این مکتب به اندیشمندان جهان باشد.

ساختار تدوین اطلاعات در آن به روش ساده است به طوری که برای تمام مردم به راحتی قابل استفاده است.

به خاطر چینش و ترتیب خوب اطلاعات، دسترسی و مراجعه به مطالب مورد نیاز راحت می‌باشد.

تلاش بسیاری از نویسندگان دایره‌المعارف برای نشان دادن و آشکار کردن کارشان به صورت یک کارنامه اساسی.

بعضی از مردم با دیدن نام این مستشرقین فریفته شده و هر آنچه که آن‌ها نوشته اند را قبول می‌کنند.

هیچ دایره‌المعارف اسلامی جایگزین آن وجود ندارد. (بن عبدالله القاسم، ۱۴۰۳، ۱/ ۱۰-۹)

دایره‌المعارف اسلام بر متون کلاسیک و تاریخ کهن و میانه تاکید دارد. (ادبی، ۸۴: ۲۷)

دایره‌المعارف اسلام به زبان‌های مختلف انگلیسی، فرانسه، آلمانی، فارسی، ترکی، عربی و اردو ترجمه شده است.

کتاب جامعی در مورد مسائل مختلف اسلام و تشیع و در تمامی مسائل تاریخی، تمدنی، کلامی، فقهی و فلسفی و ... بوده و از منابع مختلف و متعددی در تحریر مدخل‌های آن استفاده شده است.

ارجاع دادن بعضی از مطالب درون متن که خود دارای مدخل مستقل هستند؛ لذا از اطناب پرهیز شده است. بر این اساس ممکن است در یک مدخل برای واضح‌تر شدن آن، به چند مدخل دیگر ارجاع داده شده باشد.

ذکر منابع هر مدخل بعد از آن مدخل.

نوشته شدن هر مدخلی توسط افراد متخصص در آن زمینه.

حضرت فاطمه زهرا(س) در مطالعات غربی و دایره المعارفها

امروزه فهرست مطولی از مقالات و آثار علمی پیرامون شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی محققان غربی در دست است که بخشی‌هایی از آنها به شناخت شخصیتی حضرت فاطمه زهرا(ع) و زندگی پرفراز و نشیب او اختصاص یافته است. این کثرت و تنوع آثار اسلام‌شناسی مؤید علاقه وافر خاورشناسان و نیز پژوهشگران به حوزه تاریخ اسلام و شخصیت‌های کلیدی آن است. گرچه نام بردن همه این آثار از عهده این مقاله خارج است لیکن به اشاره می‌توان به دایره‌المعارف‌هایی که در حوزه تاریخ اسلام نوشته شده‌اند، در ذیل اشاره نمود.

دایره المعارف اسلام (چاپ اول EI1) مدخل (، نوشته «هنری لامنس»

دایره المعارف اسلام (چاپ جدید EI2) ویراست دوم: مدخل فاطمه(س) نوشته «لئورا وچا والی‌پری»

مدخل دایره المعارف اسلام (چاپ جدید EI2) «فدک» نوشته «لئورا وچا والی‌پری»

دایره المعارف اسلام (چاپ سوم EI3) Fāimah bint Muhammad

دایره المعارف ایرانیکا «Fāṭimah: In myth, folklore, and popular devotion» (فاطمه: در اسطوره، فولکلور و عبادت مردمی) نوشته: «ژان کالمارد»

دایره‌المعارف دین: مدخل «Fāimah bint Muhammad» (فاطمه (س) بنت محمد(ص) نوشته «جین دامن مک آلیف»

فرهنگ مختصر ادیان جهان آکسفورد: مدخل «Fatima» (فاطمه (س) نوشته «جین دامن مک آلیف»

دایره المعارف قرآن: مدخل «فاطمه» نوشته: «جین دامن مک آلیف»

دایره المعارف بریتانیکا: «فاطمه» نوشته: «اورسولا گونتر»

دایره المعارف اسلام و مسلمانان جهان «فاطمه»: نوشته «اورسولا گونتر»

دایره المعارف جهان: مدخل «فاطمه»

دایره المعارف زنان در تاریخ جهان آکسفورد: «Fatima bint Muhammad» (فاطمه بنت محمد) نوشته «سیمونه‌تا کالدینی»

علاوه براین مجموعه‌های دایره‌المعارف گونه هم‌چون: لغت‌نامه تاریخی ادیان، فلسفه و جنبش‌ها: مدخل «فاطمه» لغت‌نامه اسلامی

آکسفورد: مدخل «فاطمه» و لغت‌نامه قرون وسطی آکسفورد: مدخل «فاطمه» و لغت‌نامه اصطلاحات و حکایت آکسفورد: «فاطمه» و فرهنگ اسلام: «فاطمه»

مدخل فاطمه زهرا (س) در سه ویراست (EI1, EI2, EI3)

آنچه مسلم است متاثر از اغراض خاورشناسان در غرب، و اهداف تعریف شده و نیز تعارض‌های معنایی و سوء برداشت‌های تاریخی

نویسندگان دایره‌المعارف اسلام ویراست اول (EI1) و از همه مهمتر اشکالات روشی موجود در آن به همراه اعتراضات پی در پی جوامع مسلمان

ویرایش دوم این مجموعه آغاز شد (Bosworth,1978:101-103) تا در کنار ارائه شکل متعارفی از مدخل‌ها بتوانند به اعتراضات و هتک حرمت‌های صورت گرفته در (EI1) تا حدودی پاسخ دهند. لیکن نحوه چینش و وام‌گیری از اطلاعات مقالات نسخه نخست و عدم انحراف واقعی ویراست دوم (EI2) از نسخه نخست آن، گونه‌ای وام‌گیری از نسخه نخست را به ذهن متبادر می‌کند. لذا قصد داریم تا با نشان دادن گفتمان کلی مسلط برای فضای شرق‌شناسی غرب و تسلط مفاهیم اسلام‌هراسی در فضای گفتاری و نوشتاری خاورشناسی نشان دهیم که کماکان تحت تاثیر همان گفتمان مسلط و فضای غالب بر دایره‌المعارف اول (EI1) مقالات ویراست دوم (EI2) خیلی دقیق مطابق با موازین علمی متکی بر رویکردهای ایدئولوژیک اسلامی تصحیح نشد. حال این مقاله قصد دارد در بازخوانی نقد گونه مدخل حضرت فاطمه (س) در سه ویراست دایره‌المعارف، به نقد نگاه مستشرقان به مفاخر میراث اسلامی و بطور کلی تصویر سازی از فاطمه زهرا (س) به عنوان دختر رسول خدا (ص) و همسر علی ابن ابیطالب (س) و جانشین و وصی رسول خدا (ص) بپردازد. افزون بر این مقاله حاضر مترصد است ضمن یافت شاخصه‌های مدخل حضرت فاطمه (س) به این سوال پاسخ دهد که: آیا ترس از اسلام و ناشناختگی از اصول و فروع آن موجبات بدفهمی مستشرقان از تاریخ اسلام را ایجاد کرده است؟ آیا نویسندگان ویراست دوم تحت تاثیر گفتمان اسلام‌هراسی که بر فضای اروپای دوره معاصر مسلط بوده است، قرار داشته اند؟ شاخصه‌ها و مولفه‌های مدخل‌های مورد نظر چیست؟ مطابق بررسی‌های تاریخی می‌توان پذیرفت غلبه اسلام‌هراسی و اسلام‌گریزی در اغلب مقالات ویراست اول (EI1) امری ملموس و موضوعی بسیار مشهود است. (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۵-۳۸۰) و همین صراحت اسلام‌ستیزی و قرائت غلط از رخداد‌های تاریخی و یا مدخل‌های مرتبط باعث آشوب و اعتراضات دامنه دار مسلمانان در جهان شد. اما ویراست دوم (EI2) تلاش کرد تا گفتمانی معتدل تر نسبت به متن قبلی ارائه دهد هرچند به نظر متکی بر استدلال‌های موجود در این کتاب هرگز نتوانست پا را از دایره گفتمان اسلام‌هراسی غلبه یافته بر مقالات دایره‌المعارف نخست فراتر نهد، اما با لحنی آرام تر و با هدف گذاری‌های علمی تلاش کرد تا از دامنه اعتراضات بکاهد و بر اقبال دایره‌المعارف نویسی بیفزاید.

گفتنی است پس از مدتها از نشر ویراست دوم (EI2) ویراسته سوم (EI3) هم پا به عرصه حیات علمی نهاد، اما هنوز ویراست دوم (EI2) (قابلیت ارجاع دهی و اعتنا داشت. چنانکه مطول بودن مقالات، تنوع نویسندگان، شمولیت مدخل‌های و سهل الوصول بودن آنها کماکان مد نظر خوانندگان این مجموعه قرار داشت. با این وجود ویراست سوم هم توانست جای خود را در فضای کتابهای مجازی با قدرت بالای جستجو در متن باز کند.

نویسندگان مدخل‌های فاطمه در سه ویراست دایره‌المعارف

نخستین مدخل دایره‌المعارفی مختص حضرت فاطمه زهرا (س) را در اولین ویراست دایره‌المعارف اسلام (EI1) **هنری لامنس** (Henri Lammens) خاورشناس، نویسنده و کشیش شهیر بلژیکی (۱۸۶۲-۱۹۳۷م) به رشته تحریر در آورد. در فاصله سال‌های ۱۹۱۳ میلادی ۱۹۶۵ م یعنی حدوداً ۵۰ سال بعد از نخستین ویراست، دومین مقاله فاطمه زهرا (س) در دایره‌المعارف اسلام (EI2) توسط لائورا وِچا

والی‌یری (Laura Veccia Vaglieri) شرق‌شناس و اسلام‌پژوه ایتالیایی (۱۸۹۳-۱۹۸۹م) تدوین و منتشر شد. با شکل‌گیری و تبویب نسخه سوم دائره‌المعارف (EI3) در سال ۲۰۰۷ میلادی مدخل فاطیما به پروفیسور وِرنا کِلِم (Verena Klemm) متولد ۲۹ آوریل ۱۹۵۶م، استاد و رئیس موسسه مطالعات عربی در دانشگاه لایپزیگ محول شد. این تنوع نویسندگان نشان می‌دهد مقالات مربوط به فاطمه زهرا (س) نتوانسته جامعه علمی جهانی را قانع کند. لذا تحولی چشمگیر هم در روش و هم در محتوا تحقق یافت باید پذیرفت لامنس کشیشی متعصب با معیارهای تند کاتولیکی بود. (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۰-۳۷۱) از این رو گاهی او را الیسوعی هم لقب داده‌اند. (Giard, 1991: 291) او با اتکا بر اطلاعات کتاب خود "فاطمه و دختران محمد صلوات الله علیه"، "Fātima et les filles de Mahomet" به تشریح تاریخی شخصیت حضرت فاطمه (س) پرداخته است و از این رو مقاله دائره‌المعارفی اش تنها گرتنه برداری از همان کتاب پیش گفته اوست. موید این ادعا کاربست بسیاری از داده‌های آن کتاب بی‌کم و کاست، در مقاله دائره‌المعارف اسلام (EI1) با همان نگاه متکی بر قداست سنت (Lammens, 1912: 21) است. وی در مقدمه کتاب فاطمه و دختران محمد (ص) می‌نویسد: پژوهش پیش رو ... اجازه می‌دهد اعتبار اسنادی ادبیات نخستین مسلمانان را ارزیابی کنیم. در این مطالعات کامل، دقیق و خاص، آنچه مفروض است اینکه سیره نبوی و تأویلات مربوط به آن، تماماً، به عنوان مجموعه سنت اسلامی، جنبه تفسیری دارد؛ به این معنا که در کنار متن آیات صریح قرآن، سیره در عمل به منظور ارائه تفسیر از همین آیات قرآنی به کار گرفته میشود؛ یعنی (آیات) و تأویلات مبهم و غامض قرآن که نیاز به رفع ابهام دارند، باید به حکایات معین و در خور توجهی (که همان سنت یا سیره است) ترجمه و تبیین شوند. در فهم و برداشت‌های مختلف از متون قرآنی باید همواره به دنبال تعمیم دادن قواعد و موضوعات در قرآن بود. (Lammens, 1912: IIV) لامنس در این مجموعه آثارش حملات شدیدی به سیره پیامبراکرم دارد (جان احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۱) و طبعاً این نو نگاه متعصبانه بر نگارش مقاله فاطمه بی‌تاثیر نبوده است.

لأَنُوراً وَجَا والی‌یری: فارغ تحصیل و استاد دانشگاه مطالعات شرقی ناپل بود وی افتخار نویسندگی مقاله فاطمه در ویراست دوم (EI2) را عهده دار شد. رویکرد آکادمیک او به نسبت رویکرد ایدئولوژیک لامنس نزد اهل علم پذیرفتنی تر می‌نمود. اما آغاز بحث علمی اش با بررسی آثار لامنس و ماسینیون کمی از اعتبار علمی او کاست. ابتکار او در شاکله بندی مقاله اش حائز اهمیت است. وی این مقاله را در دو بخش اصلی تاریخی و اسطوره‌ای با جای گذاری روایت‌های کتب سنی، متقدم شیعی و اسماعیلی ارائه کرد و در ضمن آن به تبیین شخصیت فاطمه زهرا(س) پرداخت. با نگاهی نقادانه و جزءنگرانه باید پذیرفت او در این مدخل درواقع بیشتر بدنبال معرفی پنداره جدید فراتاریخی از دختر رسول خدا(ص) بود. بطور کلی دائره‌المعارف اسلام ویراست دوم (EI2) و به تبع آن والی‌یری تلاش کرد تا گفتمانی معتدل تر نسبت به متن قبلی دائره‌المعارف اسلام ارائه دهد، لیکن نتوانست از گفتمان ایدئولوژیک لامنس فاصله بگیرد. قلم روان والی‌یری و پای بندی او به اصول روشی و تاریخ نگارانه متکی بر منابع و پژوهش‌های تاریخی وزآمدتر، بویژه لحنی آرام‌تر و قلم منطبق با هدف گذاری های علمی کلان دائره‌المعارف، موجبات فاصله گرفتن مقاله فاطمه والیری از مقاله فاطمه لامنس را فراهم آورد.

وِرنا کِلِم، (۲۹ آوریل ۱۹۵۶م) استاد دانشگاه لایپزیگ است (-prof/ mitarbeiter/ profile/ en/ uni-leipzig.de/ <https://www.uni-leipzig.de/en/ mitarbeiter/ prof->)

dr-verena-klemm-kuhn) که عهده دار مقاله فاطمه در ویراست سوم شد، او شاگرد هالم هاینس (Heinz Halm) شیعه پژوه آلمانی بود و با

ادبیات اسماعیلیه آشنایی داشت. به دلیل همین گرایشات شیعه پژوهی و اسماعیلیه‌شناسی به تکمیل اطلاعات پیشین دو ویراست قبلی پرداخت با این تفاوت که توجه بیشتری به منابع تاریخی امامیه و کتب اسماعیلیه مبذول داشت. کلم تلاش کرد تا در این ویرایش ضمن بازخوانی تصویر فاطمه پیوندی تاریخی میان تحقیقات معاصران، و ادبیات مسلمین بویژه شیعه و ادبیات مسیحی با توجه به مقایسه با مریم (Kelemm.,2005:185-186) ایجاد نماید. اما ظاهراً در این کار توفیق نداشت. (EI3, brill, July 21, 2013)

ساختار، محتوا و روش در مقالات فاطمه الزهرا در سه ویراست سه گانه دائرةالمعارف اسلام

تحلیل محتوای مدخل فاطمه زهرا در سه ویرایش دائرةالمعارف اسلام زمانی امکان پذیر است که بتوان بر فضای کامل گفتمانی همه مقالات آن مسلط شد. به عبارتی فهم خطاهای روشی، درک اشتباهات فاحش تاریخی و تصویر پردازی فاطمه زهرا(س) به عنوان دختر رسول خدا(ص)، سیده النساء العالمین، همسر وصی رسول خدا(ص) و امام شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام، مادر حسنین علیهماالسلام سیدان شباب اهل الجنة و مادر زینب کبری طلایه دار پساعاشورا و عدم توفیق مستشرقان در نگارش مجموعه ای فاقد سوگیری موجب شده است تا رویکردهای نقادانه نسبت به این مقالات دانشنامه ای و دائرةالمعارفی فزونی گیرد. از آنجا که عمده این رویکردهای نقادانه گاه به شاخص‌ها و ممیزات مقالات و اسلوب نگارشی و ضعف استفاده از منابع تاریخی باز می‌گردد، لذا لزوم بازکاوی این شاخص‌ها در مقالات این مجموعه ضروری به نظر می‌رسد. در این بخش به بیان ساختار محتوا و روش نویسندگان مقاله حضرت زهرا و بیان شاخص‌های مقاله فاطمه در سه ویراست دائرةالمعارف اسلام پرداخته خواهد شد.

الف ساختار عمومی مدخل‌های دائرةالمعارف اسلام:

۱. اختصار و ایجاز: آنجا که اساس هر اثر دائرةالمعارفی بر ایجاز نهاده است، تعداد واژگان مقاله فاطمه زهرا متناسب با اهمیت آن و اطلاعات و پژوهشهای موجود تنظیم شده است. از این با توجه به تحقیقات جدیدتر انتظار می‌رفت تا مدخل «فاطمه دختر محمد» در ویرایش اول، در تکمله و در ویرایش دوم و در ویرایش سوم تغییر دامنه واژگانی بدهد و یا به دلیل افزودن مطالب جدید و آنچه در ویرایش اول یا دوم نیامده، آمده در نسخه سوم تکمیل شود. اما بررسی‌ها نشان داد اطلاعات زیادتری در مقالات دوم و سوم اضافه نشد.
۲. درج فهرست منابع در انتهای مدخل از ویژگی ساختارمند مقالات دائرةالعمارفی است. اما فقدان مشخصات کتابشناختی در برخی منابع منتشرشده بویژه منابع کهن و اسناد که عمدتاً بدون محل نشر و یا تاریخ نشر برصوبت رفرنس دهی می‌افزاید.
۳. روشی که محققان دائرةالمعارف نویس برای تدوین مقالات برگزیده/اند در دو سطح قابل ارائه است. نخست پژوهش منبع محور: چنانکه هیچ پژوهش تاریخی نیست که داده محور نباشد. بنابراین هر چه منابع قدیمی‌تر و اصیل‌تر باشند ارجاع به آن مهمتر خواهد بود. ثانیاً نگاه انتقادی به منابع اولیه و تردید در وثاقت آنها، یک پای ثابت دیگر تحقیق تاریخی است و ثالثاً در انتخاب مطالعات با رعایت بهره‌گیری از منابع متقدم جهت بازسازی داده‌های تاریخی اولویت دارد، دوم: در مقام تبیین، روش تحقیق و نگارش مقاله‌ها در دائرةالمعارف /اسلام عمدتاً مبتنی بر نگاه به تاریخ با دید پوزیتیویستی و گاهی ترکیبی از این روش با روش پدیدارشناسی است به عبارتی حامیان روش پدیدار شناسی از ارزشها و باورهای برای فهم تاریخ استفاده می‌کنند ولی رهروان روش تاریخی از تاریخ برای “تبیین” ارزشها و باورهای اقوام کمک می‌گیرند. از این روست که

در دائرة المعارف/اسلام تاریخ، زبان شناسی تاریخی و نگاه تاریخی وزن سنگین و همیشه حاضر در همه مقاله آن است. با توجه به این روش، می‌توان گفت غالب مقالات تاریخی، در شیوه گزینش منابع و شیوه استنتاجها بگونه‌ای نوشته شده اند که انتقادهایی از سوی مسلمانان بر آنها وارد است. مانند مقاله حضرت محد و یا مقاله فاطمه بنت محمد.

۴. دانسته است عمده مستشرقان، توجه شان به زبان شناسی تاریخی یا فیلولوژی، به تحقیقات تاریخی، به منظور شناخت نسخه‌های خطی و به تشکیک در وثاقت متون مقدس اسلامی معطوف است تا دانستن درونمایه آموزه‌های اسلامی، همین رویکرد آنها موجب شد است تا ساختار مدخل بسیاری از مقالات از درون مایه‌های اسلامی بی بهره باشد.

۵. توجه به اعتقادات اختصاصی مسلمانان بویژه شیعه و زندگی تحلیلی ائمه و خاصه فاطمه زهرا است. (جندقی، انتظار ۱۳۸۲)

۶. ساختار تدوین اطلاعات در آن به روش ساده است به طوری که برای تمام مردم به راحتی قابل استفاده است.

۷. به‌خاطر چینش و ترتیب علمی داده‌ها و اطلاعات، دسترسی و مراجعه به مطالب مورد نیاز راحت است.

۸. استفاده از مستشرقین نام آشنا به تبع آن پذیرش هرچه آنها بگویند توسط مراجعان دائرالمعارف

۹. شمولیت موضوعی تا جایی که هیچ جایگزینی برای دایره‌المعارف اسلامی وجود ندارد. (ابن عبدالله القاسم، ۱۴۰۳: ۱/ ۹-۱۰)

۱۰. دایره‌المعارف اسلام به زبان‌های مختلف انگلیسی، فرانسه، آلمانی، فارسی، ترکی، عربی و اردو ترجمه شده است و همین باعث شده تا دائرة مخاطبان آن دائما فزونی گرفت.

ب. ساختار اختصاصی مدخل فاطمه دختر رسول خدا (ص)

۱. تاریخ زندگی و شخصیت: شامل اطلاعاتی درباره تولد، خانواده، ازدواج و نقش فاطمه زهرا در زندگی پیامبر و جامعه اسلامی اولیه؛

۲. نقش دینی فاطمه زهرا به عنوان به عنوان الگو و نمونه‌ای از اخلاق و تقوا و به مثابه شخصیتی موثر و مقدس در اسلام و تشیع؛

۳. نقش اجتماعی و سیاسی و فعالیت‌های فاطمه در دفاع از حقوق اهل بیت (ع) و انتقادهای او از کسانی که به ولایت علی (ع) تعرض کردند؛

۳. تأثیرگذاری فاطمه بر تاریخ اسلام بویژه پس از رحلت پیامبر(ص)، از جمله واقعه سقیفه و حادثه فدک،

۴. منابع و روایات مأخوذ از متون اسلامی شیعه و سنی که به شخصیت و ویژگی‌های فاطمه زهرا می‌پردازند

۵. جایگاه فاطمه زهرا (س) در تاریخ و اسطوره‌های شیعه

۶. ازدواج با امام علی و مادری چهار فرزند: حسن، حسین، زینب و ام کلثوم

۷. نقش او در میان اهل بیت و توصیف ادبیات و منابع تاریخی که بر نقش فاطمه زهرا به عنوان یکی از چهار زن بهشتی تأکید دارند و جایگاه او به عنوان مادر امامان شیعه پذیرفته اند.

۸. حقوق زنان و مساله فد: بحث درباره وقایع تاریخی که به تأسیس و دفاع از حقوق فاطمه زهرا پرداخته و تأثیر آن را بر موقعیت زنان در اسلام جستجو کرده است.

۹. کاربرست مراجع متقدم و روایات متناسب: اشاره به منابع اسلامی که به زندگی و کردارهای فاطمه زهرا در قرآن و سنت پرداخته‌اند.

تطورروشی و نگرشی نویسندگان مدخل‌های حضرت فاطمه (س) (فاطمیما) در سه ویراست دائرةالمعارف اسلام

گرچه معترفیم نقد رویکردهای محققانه مجموعه کلان دامنه‌ای چون دائرةالمعارف اسلام آسان نیست، زیرا همواره با پیچیدگی‌های موضوع از یکسو، سیاست و رویکرد صاحبان دانشنامه‌ها و دائرةالمعارف‌ها از سوی دیگر مواجه هستیم. از این رو شاید نتوان به همه زوایای مدخل‌های مورد نظر پرداخت، لیکن می‌توان درحد طرح مساله به برخی از موارد آن پرداخت:

هنری لامنس، (متوفی ۱۹۳۷م) اولین مدخل فاطمه را در سال ۱۹۲۷ میلادی با این عنوان: «Fatimah bint Muhammad» در مجموعه EI1 دائرةالمعارف اسلام نوشت. او کشیشی یسوعی و بسیار متعصب بود (Giard & De Vaucelles, 1996, 291) رویکردهای سوگیرانه، جدلی و مملو از تعصبات دینی و مذهبی او نسبت به مسلمانان بر کسی پوشیده نیست. (مهدی پیشوائی، ۱۳۸۴: ۱-۲۷ و جازاری معمولی ۱۴۰۱، ۲۸۳) وی در این مقاله (مدخل) می‌کوشد تا چهره‌ای ضعیف، بیمار و گریان از حضرت فاطمه (س) ارائه دهد. گرچه نوشته او متأثر از کتابی است که پیشتر بنام «فاطمه (س) و دختران محمد (ص)» با محوریت انفعال و افسردگی شخصیت حضرت زهرا (س) را در سال ۱۹۱۲ م منتشر کرده است اما او وفادارانه بر منابع ضعیف اهل سنت پا می‌فشارد. لامنس این نگاه را با اتکا بر ارجاعات ناقص به منابع اسلامی داشت و در دانشنامه اسلام لایدن دوباره نظراتش را انتشار داد. شایان توجه است او در ورطه پژوهش‌های اسلام‌شناسی اوایل قرن بیستم غرق شده بود به نوعی او نیز همچون برخی مستشرقان اسلام پژوه برای دفاع از عالم مسیحیت حمله به اسلام را سرمطلع کار خویش قرار داده بود شاید از این قبل بتواند گفتمان مسیحی را از مواجهه با اسلام برهاند.

بی شک یکی از مهمترین نقدهای جدی به لامنس، عدم بی طرفی و فقدان رعایت حریم های علمی است. او از سویی در موافقت با گفتمان یهودی-مسیحی می‌کوشد تعبیر و وقایع اسلامی را بر اساس مشابهت‌های یهودی تفسیر کند و از سوی دیگر، موضوعات و مفاهیم اسلامی را در معرض نقد تاریخی قرار دهد. البته در هر نقد روشی دیدگاه هنری لامنس درباره حضرت فاطمه (ع) می‌تواند آئینه تمام نمای وضعیت زمانه و مواجهه‌های جریان های مختلف عصر باشد. زیرا لامنس برای اثبات نظریاتش اولاً بر اخبار و وقایعی تکیه کرده که به عنوان امور فرعی و جزئی محل اختلاف خود اندیشمندان و مورخان مسلمان بوده است و به مسائل و گزاره‌های اجماعی و تواتری نویسندگان مسلمان توجهی نداشته است. نکته اساسی دیگر این که مقاله حضرت زهرا عمدتاً بر پیش‌فرض‌های خاص و کاملاً سیاسی و دینی لامنس استوار است، این است که او بر یک مسأله محوری مهمی تاکید می‌کند که: «شناخت کاریزماتیک و قداست گونه پیامبر (ص) و اهل بیت او، تحت تأثیر حضور امویان بر مسند قدرت بوده است و این مساله در آرا و نظرات مسلمانان سده دوم ظهور یافت». در حقیقت، وی این شناخت را معلول جریان‌های سیاسی و اجتماعی آن دوران و نیز ورود «سلطنت- خلافت اسلامی» در عرصه توازن بین المللی باز می‌گردد. در همین راستا، ارزش حضرت فاطمه (ع) و اهل بیت (ع)، از سده دوم هجری ظاهر می‌شود. قرن اول هجری را باید عصر گمنامی اهل بیت (ع) محسوب کرد. لامنس اصرار دارد تاکید کند هویت مقدس گونه حضرت فاطمه (ع) و خاندانش در سده دوم معلول مقابله علویان و جریان اکثریتی اهل سنت در مدینه است و در این میان، عباسیان نقش محوری بر عهده دارند. چنانکه با برجسته سازی و حتی تحریف فضایل اهل بیت (ع) برای مشروعیت بخشی به خلافت خود و مهار علویان تلاش‌های متعنی و دامنه‌داری دارند.

علاوه بر این نقد دیگری که به او وارد است اینکه موضوع روش شناسی اوست. کاربست داده‌های تاریخی و روایی که از منابع اهل سنت برگرفته است و استنادهای او به صحاح و مسانید و آثار رجالی آنها، برای تعریف شخصیتی شیعه مقاله او را بشدت تضعیف می‌کند. بنابراین نوادر و روایات شاذ تاریخی درباره فرزندان رسول خدا(ص)، که سابقاً محل اختلاف مورخان مسلمان هم بود، نیز برای وی جذابیت بیشتری می‌یابد این مسئله را باید یکی از مهمترین ضعف‌های او دانست. چراکه ریشه این نوع نگاه جزمی به اهل بیت و نیز بدفهمی از داده‌های منابع به پیش فرض‌های او از یکسو، عدم‌روش شناسی عدالت محور و منصفانه از سوی دیگر بوده است. کنکاش‌های مستمر او، و رویکرد بیش از حد نقادانه‌اش موجب خروج وی از انصاف علمی شده است. (Dussaud. ۱۹۱۳: ۱۳۳-۱۳۴) نقد دیگری که بر او وارد است رویکرد گزینشی او در قابل داده‌های تاریخی است. او منصفانه و محققانه در معرض منابع قرار نمی‌گیرد. برای مثال وقتی از جایگاه زن و حقوق وی در سنت اسلامی سخن می‌گوید، فقط به روایات خاص و شاذ رجوع می‌کند و ادبیاتی غیرمعمول در ترسیم تصویر شخصیت‌های اسلامی بکار می‌گیرد. (Rocalve. 2004: 128) این در حالی است که او نه احاطه لازم و شناخت کافی را بر مسائل اسلامی و فقه آن و بویژه حقوق زن دارد و نه توان تحلیل و تبیین مسائل حقوق اسلامی را درباره زنان و حتی در سیره نبوی می‌تواند داشته باشد. نوشتار عجولانه او در باب حقوق زنان و مقایسه آن با سایر ادیان موید همین نوع نگاه غیر عالمانه و متعصبانه او به مساله زنان است. او از این منظر نه تنها حقوق اسلامی را زیر سوال می‌برد بلکه، در ذهن تند او نقد دشمنانه آیین اسلام و فرهنگ اسلامی به گونه‌ای هدفمند آمده است. .

هرچند لائورا وِچا والی‌پری اسلام‌پژوه ایتالیایی (۱۸۹۳-۱۹۸۹م) به ظاهر راه و روش متعصبانه، پرخاش گرانه، لامنس را در مقاله فاطمه ، ویراست دوم دائره‌المعارف EI1 نپیمود. وی با اسلوبی علمی و روشی آکادمیک اما با همان منطق شرق‌شناسی به سراغ زندگی حضرت زهرا رفت و البته نتوانست از همان منطق لامنس و گلدزیهر فاصله بگیرد. که این خود دلایل معلومی دارد که تشریح آن از حوصله این مقاله خارج است. مقاله ای که او نوشت دارای یک مقدمه و دو بخش کلی و ۲۸ عنوان جزئی یا به عبارتی سوتیتر و یک نتیجه نهایی بود. در یک نگاه کلی شاکله مقاله او در دو بعد تاریخی و افسانه ای تنظیم شده است. رویکرد ظاهری توصیفی اما پیکره ای انتقادی دارد. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۴۶) در این مقاله او می‌کوشد تا با قوام بخشی به استدلال‌های عقلانی ضمن برون رفت از تیررس مخالفان مسلمان، بخشی از واقعیت‌های تاریخی را بیان کند اما در این طریق او ناموفق است. گرچه می‌کوشد میان آراء مغرضانه لامنس و آراء ایدئولوژیک ماسینیون راهکاری میانه بجوید، اما به دلیل عدم رویکرد انتقادی به اشتباهات لامنس در تحریر مقاله فاطمه، و با خوانش افکار ماسینیون در باره فاطمه به تعبیری چون عارفانه هرگز موفق نیست. این درحالی است که در جای جای مقاله نوشته‌ها و تحلیل‌های ماسینیون را در باره فاطمه‌نمایی از تجربه‌های خارق العاده دینی و عارف مسلکانه می‌داند. او در بخشی از مقاله فاطمه را اسطوره نامیده است و درک ماسینیون از رفتارهای کاریزماتیک فاطمه را نتوانسته بپذیرد. این درحالی است که در اغلب اخبار اختلافی رای لامنس را بر ماسینیون ترجیح داده است. تشکیک‌های والیری به سن فاطمه و ترجیح اقوال اهل سنت در دیر ازدواج کردن فاطمه و حتی فقیر و تنگدست دانستن علی (ع) به عنوان مانعی جدی در ابرازپیشنهاد ازدواج جمله تفسیرهای او از وقایع تاریخی است حال آن که منابع تاریخی هیچ‌یک استدلال‌های او را تایید نمی‌کند. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۶-۲۵۹) او در تمام این مقاله تلاش دارد خانواده علی را تنگدست معرفی کند و در متن آن بر طبل مشاجرات علی و فاطمه می‌کوبد و به "شدت و خشونت" علی در خانه اشاره

می‌کند!!!!(همان: ۲۶۲) و لقب ابوتراب را برای علی موید بد اخلاقیدر خانه و بیتوته در مسجد می‌داند، حال آنکه با رجوع به تاریخ طبری به راحتی تبیین این لقب آسان بود. (طبری، ۱۹۶۷: ۱۵/۲)

یکی از نقدهای جدی که به مقاله والیری وارد است، ایجاز و اختصار در جایگاه و نقش فاطمه در رخدادهای تاریخی است. این ایجاز به کم اهمیت بودن رخدادها و نقش او منجر می‌شود. او اخبار را تنها در معدودی از منابع اهل سنت جستجو می‌کند حال آنکه می‌توانست بر دامنه منابع خود بیفزاید و بر حقیقت تاریخی صحه گذارد. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۲۶۸-۲۷۴)

وَرِنَا کِلِم (۱۹۵۶م) استاد شرق‌شناس شهیر آلمانی که مقاله فاطمه را در ویراست سوم با ۴۰۱۴ کلمه نگاشت، به دلیل آشنایی نویسنده با ادبیات شیعه بویژه اسماعیلیه، مداخل فاطیما از فضای گفتمانی مناسب تری نسبت به دو مقاله پیشین داراست. اما او نیز نتوانست از هیمنه استشراق و اهداف مسلط برآن، برهد. انتخاب منابع و رجوع مکرر به منابع اهل سنت و برخی متون تاریخی خاص مانند طبقات الکبری، چینش مطالب و گزینش داده‌های تاریخی یکسویه مقاله فاطمه را در دائره‌المعارف سوم EI1 در همان سطح پیشین نگه داشت و نتوانست چهره متعادلی از حضرت فاطمه متناسب با باورهای مسلمانان ارائه دهد. این درحالی است که مراجع پژوهشی او کماکان هنری لامنس در مداخل les flues de (1912) Fatima et Mahomet و اولیری، بود، صراحتاً مطالعه خود را از نیز کسانی چون: داونر (Donner)، گانتر (Gunther)، گیرتز (Geertz) و کماکان لامنس، کلبرگ، استوسر، ایوب (Ayoub)، هالم، مک اولیف (McAuliffe) آیسر، اسپلبرگ، روت رودد، والیری، مادلونگ (Madelung)، اِکر (Echer) و اِسمیت (Smith) بهره جسته است. (Klemm, V. 2005: 181-208)

او در ابتدای مقاله حضرت فاطمه او را بانویی تحسین برانگیز قلمداد می‌کند اما در رویکردی عجولانه از شخصیت حضرت فاطمه را براساس منابع اهل سنت تصویر می‌کند و منابع شیعیان را خیالی و اسطوره گونه دانسته است (پورصالح کچومثقالی، و شهلا بختیاری، ۱۴۰۳: ۲).

وی در مقاله‌اش به این نتیجه رسیده است که جهان تاریخی درباره حضرت فاطمه گاهی به صورت انسانی عادی و مطلوب و گاهی انسانی والا دارای مکارم اخلاق و فضایل اخلاقی و معنوی قضاوت می‌کند. که این برداشت به مرور با جهان خیالی در ادبیات شیعی، همراه می‌شود و در این ورطه با افسانه‌های مقدس خیالی آمیخته شده و در منابع شیعه باقی مانده است. (Klemm, V. 2005: 181-208) او نیز در ترسیم تصویر حضرت زهرا برای او شخصیتی تاریخی و شخصیتی افسانه‌ای و خیالی متصور شده است. کلم نقش‌های فاطمه (س) را در ادوار مختلف با جنبه‌های فراگیری در منابع شیعه جستجو کرده است. او گزارش‌های روایی را داستان‌سرایی قلمداد کرده است و اساساً تصویر فاطمه در ادبیات شیعه را نمی‌پذیرد.

شاخص‌های مقالات هر سه این نویسندگان را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

با یک بررسی کلی و مقایسه میان سه مداخل فاطمه در دائره‌المعارف سه گانه اسلام که در بازه‌های زمانی طولانی از ۱۹۱۳ میلادی تا ۲۰۰۷ میلادی به نگارش در آمدند می‌توان شاخص‌های ذیل را با رویکردی انتقادی فهرست کرد:

۱. عمده مداخل‌ها ادبیاتی روان و عامه فهم دارند.
۲. اغلب این مداخل‌ها فاقد مفاهیم و اصطلاحات درخور توجه دستکم تاریخی هستند. رویکرد عجولانه در تبویب آنها موج می‌زند.

۳. عدم بی طرفی و وجود سوگیری و نادیده گرفتن واقعیت‌های تاریخی متکی بر منابع اصیل؛
۴. عدم توجه به منابع شیعه و دستکم مقایسه داده‌های منابع شیعه با منابع اهل سنت؛
۵. فقدان رویکرد جستجوگرانه برای یافت حقیقت و یا رویکرد مقایسه ای روایت‌های تاریخی؛
۶. عدم فاصله گرفتن از مقالات پیش نوشته‌ای چون مدخل ویراست اول که توسط لامنس نوشته شد.
۷. عدم درک درست از ارزش‌های فکری و ایدئولوژیکی شیعیان و باور آنها نسبت به فاطمه و جایگاه او در جامعه اسلامی.
۸. فقدان پایبندی به زمان و تاریخ رخدادها چنانکه نویسندگان این مدخل‌ها بویژه لامنس در تعریف و توصیف اهل بیت پیامبر (ص) از موقعیت‌های حال و گذشته ساده، مجهول و حال کامل استفاده می‌کند. و همین موجب شده است تا زمان دقیق رخدادها مشخص نشود، برای نمونه او در وهله نخست، واقعه مباحله را قبول دارد و از اهمیت جایگاه اصحاب کساء در میان شیعیان آگاه است اما با تکیه بر کاربرد فعل حال کامل در این بخش قصد بیان یک نکته دیگر را دارد. زیرا موقعیت فعلی مذکور درباره نتیجه عملی مهم مورد استفاده است و لامنس در اینجا می‌خواست از نتیجه اصحاب کساء به‌عنوان یک ابزار برای برتری شیعیان تفسیر کند. وی جهت تأیید سخنان خود به آیه ۶۰ سوره مبارکه آل عمران ارجاع می‌دهد که نامی از حضرت زهرا (س) و یا امام علی (ع) در آن مشاهده نمی‌کند و مصداق اهل بیت همانا همسران پیامبر (ص) می‌باشد. این انکار در صورتی است که در طی تشریح اصحاب کساء به حضور امام و حضرت فاطمه (س) اشاره دارد و در آن‌جا نیز از موقعیت فعلی حال کامل استفاده می‌کند. والیری حل می‌شود و به‌طور کلی تفسیر لامنس از اهل بیت و آیه مذکور را نادرست اعلام می‌نماید. این زن اسلام‌شناس، بر غفلت یا عدم توجه مدخل اول درباره کاربرد ضمائر جمع مذکر آیه مذکور اشاره دارد که منجر به یک تفسیر نادرست از مفهوم اهل بیت پیامبر (ص) شد.
۹. وجود انکار تناقضی در ویراست اول نسبت به ویراست‌های دوم و سوم مدخل فاطمه بیشتر است. خواننده محترم بایست به عنوان منتخبی ولیری در این بخش توجه کند که حضرت زهرا (س) را از پنج تن و اهل بیت (س) معرفی می‌کند؛ درواقع، او بنابر تقسیم‌بندی منابع شیعه و سنی این انتخاب را نداشته و بر حقیقت وجودی حضرت در این حلقه توجه دارد. چنان‌چه برای ختم سخنان خود و اثبات ادعایش به آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب می‌پردازد که پیامبر (ص) هر روز هنگام نماز صبح بر خانه فاطمه (س) حاضر می‌شد و این آیه تطهیر را می‌خواند. بنابراین، ما در ویرایش دوم سال ۱۹۶۴ مدخل فاطیما (س) دانشنامه اسلام، لایدن شاهد یک حرکت اثباتی در حوزه دینی هستیم که البته این روند در چاپ دوباره سال ۲۰۰۷ کماکان ادامه داشت اما تنها مختصر و گذرا، آن هم دوباره با تقسیم‌بندی منابع سنی و شیعی. سوای از آن، دیگر مباحله و اصحاب کسا یا به‌طور کلی مفهوم اهل بیت (س) دارای بار اغراقی در تحلیل جدید ورنه کلمه هستند، بدین‌خاطر از فعل گذشته ساده استفاده می‌کند تا فقط به کوتاهی این مسائل اشاره نماید.
۱۰. غفلت از نقش سیاسی فاطمه در مقاله لامنس و برعکس تاکید دو ویراست دوم و سوم بر نقش سیاسی حضرت در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)
۱۱. ترسیم زنی بیمار و ناتوان و بسیار ضعیف توسط لامنس.

۱۲. مداخل اول و سوم دانشنامه چندان به نقش قوی و فعال سیاسی زهرا (س) برابر حرکات خلیفه قائل نیستند. اما می‌توان گفت که هر سه مدخل با توجه بر تفاوت نوشتاری نسل، به برخورد دو بینش مخالف جهت تعیین موضع قدرتی و میراث پیامبر (ص) تمرکز دارند.

۱۳. نویسندگان سه مدخل در سه ویرایش متوالی، درباره حضور و حقوق اجتماعی و یا حقوق ناشی از هبه، حضرت زهرا (س) و رفتار زورگویانه با ایشان.

۱۴. شدت و ضعف توصیف ماجرا، در گرو نگرش صاحبان قلم است. بدین ترتیب که لامنس چگونگی مخالفت حضرت با موضوعات جانشینی و فدک را به صورت واکنش‌های منفی و مثبت ارزیابی می‌کند. این حرکات به‌ویژه در زمان مسئله فدک و پاسخگویی قوی فاطمه (س) مقابل سخنان خلیفه، هرچند در قالب جملاتی کوتاه توسط این کشیش مسیحی مهم جلوه می‌نماید زیرا موجب بازگشایی یک مسیر جهت بیان یک حقیقت تاریخی در کتب مرجع اسلام‌شناسی غرب می‌شود. مدرک ادعای ما قلم‌ولیری در این حوزه است که او به حضرت عنوان فعال سیاسی می‌دهد. زیرا وی از فشار مخالفان برای ورود به خانه و بیعت اجباری از اهالی خانه، به‌خصوص از حرکت برخی جهت آتش زدن بیت ایشان اشاراتی دارد. این توصیف‌های والیری اگرچه متکی بر کتب شیعه و سنی در کنار هم است اما او به فرمایشات زهرا (س) درباره تضییع حقوق ایشان و مسئله جانشینی پیامبر اکرم (ص) ارجاع مستقیم بدهد.

۱۵. علاوه بر آن، والیری به حضور حضرت مقابل انصار برای بیعت با امام علی (ع) اشاره دارد که مجموع این تعاریف در موضوع جانشینی، اسلام‌شناس ایتالیایی را وادار به تعظیم مقابل دختر پیامبر (ص) در مقام یک فعال سیاسی صدر اسلام می‌نماید. چنان‌چه والیری در توصیف موضوع فدک نیز همین روند را تکرار کرد.

نتیجه

بررسی‌های به عمل آمده نشان داد که نویسندگان مدخل فاطمه زهرا (س) در سه ویراست دائرالمعارف اسلام مستشرقانی اسلام شناس با پیش فرض‌های اثبات شده هستند که بخش مهمی از درک آنها به ناشناختگی از اصول و فروع اسلام باز می‌گردد و همین ناآشنایی موجبات بدفهمی مستشرقان از تاریخ اسلام را ایجاد کرده است. شاخصه‌ها و مولفه‌های مدخل‌های مورد نظر چیست ادعای افسانه‌ای پنداشتن فاطمه و اوهام دانستن جایگاه اعتقادی او در منابع شیعه، به صاحبان این مقالات رویکردی شاذ و غیر قابل پذیرش داده است. تحقیقات نشان داد نوشته‌های این محققان اسلام شناس عاری از سوگیری نیست. آنان باورهای غلط غلات را در زمره رفتارهای مسلمانان شیعه قلمداد کردند و فاطمه را در آئینه آنان ترسیم کرده بعد خیالی و افسانه‌ای به او داده‌اند. تحقیقات نشان داد رویکرد کل گرایانه و غفلت از اجزاء حقیقت ساز رخدادهای تاریخی باعث شده است تا مقالات حضرت زهرا به نسبت برخی مقالات مطول نباشد این رویکرد جزمی در مطالعات دائرالمعارف به اساس شخصیت تاریخی چون فاطمه لطمه زده است. علاوه بر این مشکلات روشی، نگرشی، در تدوین هر سه مقاله مشهود است اما مقاله لامنتس از میان آن دو به آفت سوگیرانه بیشتر آلوده است. بررسی‌ها نشان داد گفتمان شرق‌شناسی لطمه اساسی به ویراست نخست زد و آن را از حیز انتفاع ساقط کرد لیکن به دلیل همسویی نویسندگان بعدی مدخل فاطمه (اولیری و کلم) با گفتمان خاورشناسی مغرضانه کماکان در محتوای متن از مقاله نخست فاصله

نگرفتند لذا فضای نوشتاری این مقالات می‌تواند در حوزه مطالعات شرق‌شناسی عامدانه متکی بر سرشت اسلام‌هراسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد در ویراست دوم و سوم این روحیه ستیزه‌گری با شیعه و اسلام‌هراسی تعدیل شده است اما از بین نرفته است.

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارد که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- ۱- اسعدی، مرتضی، ۱۳۸۱، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان: از آغاز تا شورای دوم واتیکان، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- ادبی، محمد جواد، ۱۳۸۴، دایره‌المعارف اسلام مدرن، اخبار ادیان، شماره ۱۶، آبان و آذر.
- ۳- ایمان محمد تقی، ۱۳۹۱. روش‌شناسی تحقیقات کیفی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲. ابن عبدالله القاسم، خالد، ۱۴۰۳، مفتریات و اخطاء دایره‌المعارف الاسلامیه دائره‌المعارف الاسلامیه، چاپ اول، الرياض: دارالصمیعی للنشر و التوزیع.
- ۴- پورصالح کچومثقالی، مهدیه و بختیاری شهلا، ۱۴۰۳، تحلیل تصویرسازی ورنا کلم از شخصیت حضرت فاطمه (س) مجله پژوهشهای تاریخی، سال شانزدهم، شماره یکم (پیاپی ۱۶)، بهار ۱۴۰۳، ۱-۱۹.
- ۵- جان احمدی، فاطمه؛ خضری، سید احمد؛ صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ رنجبران، داود؛ ۱۳۹۲، توصیف و تبیین یهودی‌سازی تاریخ اسلام (با تاکید بر دایره‌المعارف اسلام، مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، تابستان ۱۳۹۲، سال هفدهم - شماره ۲، ص ۳۵۳ تا ۳۹۰.
- ۶- جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۸. تصویر حضرت محمد(ص) و حضرت زهرا(س) در دایره‌المعارف اسلام، ترجمه و نقد، قم، انتشارات شیعه‌شناسی.
- ۷- جان احمدی، فاطمه، بایرام، مائده، ۱۴۰۲، جستاری در روش‌های ساخت تصویر اسلام‌هراسانه در غرب، مطالعه موردی مدخل‌های صدر اسلام در دایره‌المعارف اسلام EIJ2 مجله مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۴۸، زمستان ۱۴۰۲.
- ۸- رودگر، قنبرعلی، ۱۳۹۳، مدخل دانشنامه نگاری، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱۷، تهران.
- ۹- سحاب، ابوالقاسم، ۱۳۱۷، فرهنگ خاورشناسان، تهران، طبع کتاب.
- ۱۰- سعید جازاری معمولی، ۱۴۰۱، نقد روشی دیدگاه‌هانی لامنس درباره حضرت فاطمه (ع) در کتاب فاطمه و دختران محمد (ص) مجله شیعه پژوهش سال هشتم، شماره بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۸۲-۳۰۸.
- ۱۱- جندقی، بهروز، ۱۳۸۲، مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام‌شناسان غربی دایره‌المعارف اسلام، مجله انتظار، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۲.
- ۱۲- دانشنامه ایران و اسلام.
- ۱۳- رنجبران، داود، ۱۳۹۳، بررسی تأثیر گفتمان یهودی در برخی از مقالات دایره‌المعارف اسلام، فصلنامه پژوهشنامه‌ی تاریخ اسلام سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۹۹-۱۲۴.
- ۱۴- نوری، محمد، ۱۳۷۷، کارنامه ایران‌شناسی در آمریکا، مجله یاد، شماره ۵۱ و ۵۲.
- ۱۵- نوری، محمد، ۱۳۸۴، دایره‌المعارف اسلام، کتاب ماه، دین، شماره ۹۹، تهران.

16. Bosworth, Edmund. (1978): "Report on the Encyclopaedia of Islam", *Bulletin (British Society for Middle Eastern Studies)*, Vol. 5, No. 2101-103;
17. EI1, Publishers' preface. 1987
18. *Encyclopaedia of Islam* Three, brill, July 21, 2013
19. Giard, Luce; de Vaucelles, Louis, (1991) *Les jésuites à l'âge baroque (1540-1640)*, Actes du colloque tenu à Chantilly en juin 1991, Jérôme Million.
20. Lammens, Henri (1912). 'Fatima et les filles de Mahomet: notes critiques pour l'étude de la

Sira', Sumptibus Pontificii instituti biblici.

21. Dussaud, René (1913). "*Henri Lammens Fâtima et les filles de Mahomet. Notes critiques pour l'étude de la Sira'*", Journal des Savants Année. Giard, Luce; De Vaucelles, Louis (éds.) (1996).
22. Klemm, V. (2005). "*Fatima the daughter of the prophet Muhammad. Image Formation of an Islamic Legend*", 58, 181-208
23. Journal of Historical Researches, Vol 16, Issue 1, No. 61, Spring 2024
24. Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland (New Series), Volume 79, Issue 1-2, January 1947, p 136.
25. Elton, L, Daniel, *Encyclopaedia of islam*, December 15, 2011, iranica encyclopaedia, August 18, 2013 <http://www.iranicaonline.org>,
26. Les jésuites à l'âge baroque (1540- 1640). *Actes du colloque tenu à Chantilly en juin 1991*, Jérôme Million.
27. *Le Berceau de l'Islam: l'Arabie occidentale à la veille de l'hégire (The Cradle of Islam: Western Arabia on the eve of the Hegira)*
28. Mahomet futil sincere 5. Fatima et les filles de Mahomet (Fatima and the Daughters of MuhammadV, ROMAE, Sumptibus Pontificii Instituti Biblici, 1912.
29. <http://www.brill.com>, Encyclopaedia of Islam Three, brill, July 21, 2013
30. Rocalve, Pierre. 2004. Louis Massignon: *promoteur du dialogue islamo-chrétien*, Horizons Maghrébins. Le droit à la mémoire Année. <https://tarikh.nashriyat.ir/node/413>
31. Jane Dammen McAuliffe in Qur'anic Studies Online : *Encyclopaedia of the Qur'ān Online*

آوانگاری منابع

1. As'adi, M. (1381). *Motāle'āt-i Islāmī dar Gharb-i Englisī-zabān: az Āghāz tā Shūrā-ye Dovvom-i Vātīkān*. Tehrān: Samt.
2. Adabī, M. J. (1384). *Dāyereh al-Ma'āref-e Islām-i Modern, Akhbār-e Adiyān*, (16), Ābān-Āzar.
3. Imān, M. T. (1391). *Ravash-shenāsī-ye Taḥqīqāt-i Kifī*. Qom: Pazhūheshgāh-i Ḥawza va Dāneshgāh.
4. Ibn 'Abdullāh al-Qāsim, Kh. (1403). *Muftariyāt va Akhtā'* (*Dāyereh al-Ma'āref al-Islāmīya*, 1st ed.). Riyāḍ: Dār al-Ṣumayy'ī li-Nashr va al-Tawzī'.
5. Pūrshāliḥ Kachū-Mesqālī, M., & Bakhtiyārī, Sh. (1403). Taḥlīl-i Tasvīrsāzī-ye Verna Kalm az Shakhshīyat-i Ḥazrat Fāṭemeh (s). *Pazhūhesh-hā-ye Tārīkhī*, 16(1), 1–19.
6. Jān Ahmadi, F., Khazrī, S. A., Ṣafīrī Fūrūshānī, N., & Ranjbarān, D. (1392). Tawsīf va Tabīn-i Yahūdī-sāzī-ye Tārīkh-i Islām (bā ta'kīd bar Dāyereh al-Ma'āref al-Islāmī). *Majalleh-ye Motāle'āt-i Ma'ārefāt dar Dāneshgāh-i Islāmī*, 17(2), 353–390.
7. Jān Ahmadi, F. (1388). *Tasvīr-i Ḥazrat Muḥammad (s) va Ḥazrat Zahra (s) dar Dāyereh al-Ma'āref al-Islām: Tarjama va Naqd*. Qom: Inteshārāt-i Shī'a Shenāsī.
8. Jān Ahmadi, F., & Bāyrām, M. (1402). Jostārī dar Ravash-hā-ye Sakht-e Tasvīr-i Islām-harāsāneh dar Gharb: Motāle'eh-ye Mordadī-ye Madkhal-hā-ye Ṣadr-i Islām dar Dāyereh al-Ma'āref al-Islām EI2. *Majalleh-ye*

Motāle 'āt-i Sīyāsī-ye Jahān-i Islām, 12(4), 181–208.

9. Rūdgār, Q. 'Alī. (1393). *Madkhal-i Dānesh-nāmeḥ Negārī. Dānesh-nāmeḥ-ye Jahān-i Islām*, Vol. 17. Tehrān.

10. Sahāb, A. Q. (1317). *Farhang-i Khāvarshenāsān*. Tehrān: Ṭab' Kitāb.

11. Sa'īd Jāzārī Ma'mū'ī. (1401). *Naqd-i Ravashī-ye Didgāh-i Henri Lammens dar Bāre-ye Ḥazrat Fāṭemeh (a) dar Ketāb-i Fāṭemeh va Dokhtarān-i Muḥammad (s). Majalleh-ye Shī'a Pazhūhesh*, 8, 282–308.

12. Jandagī, B. (1382). *Mahdawīyat az Dīd-gāh-i Dīn Pazhūhān va Islām-shenāsān-i Gharbī. Dāyereh al-Ma'āref al-Islām, Majalleh-ye Entezār*, (10).

13. Ranjbarān, D. (1393). *Barraṣī-ye Ta'sīr-i Goftār-i Yahūdī dar Barḥā-yi Maqālāt-i Dāyereh al-Ma'āref al-Islām. Faslnameh-ye Pazhūheshnāmeḥ-ye Tārīkh-i Islām*, 4(15), 99–124.

14. Nūrī, M. (1377). *Kārnāmeḥ-ye Īrān-shenāsī dar Āmrīkā. Majalleh-ye Yād*, (51–52).

15. Nūrī, M. (1384). *Dāyereh al-Ma'āref al-Islām. Ketāb Māh, Dīn*, (99). Tehrān.

16. Bosworth, E. (1978). *Report on the Encyclopaedia of Islam. Bulletin of the British Society for Middle Eastern Studies*, 5, 101–103.

17. *Encyclopaedia of Islam, Publishers' Preface*. (1987).

18. *Encyclopaedia of Islam Three*. Brill. (2013, July 21).

19. Giard, L., & de Vaucelles, L. (1991). *Les jésuites à l'âge baroque (1540–1640): Actes du colloque tenu à Chantilly en juin 1991*. Jérôme Million.

20. Lammens, H. (1912). *Fatima et les filles de Mahomet: Notes critiques pour l'étude de la Sira*. Sumptibus Pontificii Instituti Biblici.

21. Dussaud, R. (1913). *Henri Lammens Fâtima et les filles de Mahomet: Notes critiques pour l'étude de la Sira. Journal des Savants*.

22. Klemm, V. (2005). *Fatima, the daughter of the Prophet Muhammad: Image formation of an Islamic legend. Journal Name*, 58, 181–208.

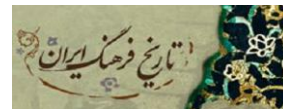
23. *Journal of Historical Researches*, 16(1), 61, Spring 2024.

24. *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland (New Series)*, 79(1–2), 136, January 1947.

25. Elton, L. D. (2011, Dec. 15). *Encyclopaedia of Islam*. Iranica Encyclopaedia. (Accessed Aug. 18, 2013) <http://www.iranicaonline.org>

26. Giard, L., & de Vaucelles, L. (Eds.). (1996). *Les jésuites à l'âge baroque (1540–1640): Actes du colloque tenu à Chantilly en juin 1991*. Jérôme Million.

27. *Le Berceau de l'Islam: L'Arabie occidentale à la veille de l'Hégire (The Cradle of Islam: Western Arabia on the Eve of the Hegira)*.



28. Mahomet, F. S. (1912). *Fatima et les filles de Mahomet (Fatima and the Daughters of Muhammad V)*. Romae: Sumptibus Pontificii Instituti Biblici.
29. Encyclopaedia of Islam Three. Brill. (2013, July 21). <http://www.brill.com>
30. Rocalve, P. (2004). *Louis Massignon: Promoteur du dialogue islamo-chrétien*. Horizons Maghrébins. *Le droit à la mémoire*. <http://tarikh.nashriyat.ir/node/413>
31. McAuliffe, J. D. (n.d.). *Encyclopaedia of the Qur'ān Online*. Qur'anic Studies Online.